

مطالعات بازنمایی زندگی روزمره



۱۶



سرخ‌خاکی

فرزان سجودی



لذت و حسرت

زندگی روزمره یعنی تلویزیون، یعنی بلبوردهای بزرگ تبلیغاتی که اینجا و آنجا و هر جا در انتظار نگاه ما ایستاده‌اند، یعنی اتوبوس‌نوشته‌ها، ایستگاه نوشته‌ها، یعنی مترو، نه خود مترو که فقط قطاری است که تو را به مقصد می‌برد، بلکه تابلوهای بزرگ ایستگاه‌ها، تابلوهای تبلیغاتی درون واگن‌ها. یعنی سر در سینماها، یعنی روزنامه‌ها و ایستادن پای دک‌ها و خواندن تیترهای صفحه اول، یعنی ویتترین فروشگاه‌های بزرگ خیابان جمهوری و تلویزیون‌هایی که توی آن ویتترین‌ها همیشه دنیاها را خیال‌انگیز و چشمگیر را نشان می‌دهند، یعنی بازار علاءالدین و موبایل‌هایی که هر روز متفاوت از روز پیشند و تو را بخوابی و نخوابی به خرید خود فرا می‌خوانند و یا دست کم اگر نتوانی بخری به تماشای خود یعنی حسرت موبایل آیفون اپل، یعنی اتومبیل، ایستادن و تماشای اتومبیل‌های شگفت‌انگیزی که گاهی پشت چهارراه‌ها و گاهی توی نمایشگاه‌های اتومبیل چشم‌های گرسنه دیدن را به سوی خود می‌کشند، یعنی ایستادن پشت دفاتر آژانس‌های مسافرتی و تماشای پوسترهایی از سرزمین‌های رویایی و سواحلی با یکی دو درخت نخل یک‌پوشیده، که شاید گاهی شب‌ها به خوابت هم بیایند، یعنی ساده‌تر از همه اینها ایستادن جلوی مغازه میوه‌فروشی و تماشای میوه‌های چینی، مصری، آفریقایی و ینگه دنیایی و اعداد عجیب‌تر از خودشان که کله یک چوب بالای سرشان ایستاده‌اند، اصلاً از این مهم‌تر یعنی فوتبال، یعنی شور روزهای آینده و تماشای بازی، تماشای بازی‌های جام جهانی، تماشای رنگ و شور و آشک و شادی، زندگی روزمره.

امروز یعنی تماشا، یعنی تماشای انفعالی، یعنی مصرف امر تماشایی، یعنی مصرف تصویر؛ تصاویری که از کله سحر تا شب همه جا و همیشه همراهت هستند، هدایتت می‌کنند، اهداف و آرمان‌های زندگی‌ات، سبک زندگی‌ات را تعریف می‌کنند، به رفتارهایت شکل می‌دهند، درست و غلط و زشت و زیبا و حق و ناحق را برایت تعریف می‌کنند و تو را در حسرتی جاودانه ولی لذت‌بخش قرار می‌دهند. حسرت داشتن، زیبا بودن، بر حق بودن، درست بودن، مثل آدم‌های درست و حسابی زندگی کردن، عاقبت به خیر شدن و... این امر تماشایی و البته دست‌نیافتنی به موضوع میل ما تبدیل می‌شود و کوشش ناموفق برای حاضر کردن این غایب، غایب حاضر در تصویر، همه زندگی روزمره ما را تعریف می‌کند و لحظاتی سرشار از لذت‌های آنی و گذرا و حسرت‌های ماندگارتر به وجود می‌آورد؛ حسرت و لذتی که فقط با هم و در ارتباط با هم معنا می‌یابند.

بیمگاه

عباس عبدی



سیاست  
و زندگی روزمره

موجودیت مهم انسان ناشی از زیستن اجتماعی است. انسان سلب کنیم، چنان ضعیف

نگار: آیدان رفیعی